



Bi-quarterly Scientific Journal of "Religion & Communication"
Vol. 32, No. 1, (Serial 67), Spring and summer 2025

Research Article

doi: 10.30497/rc.2025.247277.2079



OPEN ACCESS

Received: 2024/11/11

Accepted: 2025/01/27

Meta-Synthesis of the Essence of Islamic Revolutionary Art

Mohsen Johari*

Mohsen Labkhandagh**

Abstract

The Islamic Revolution of Iran is regarded as one of the most significant socio-political phenomena of the recent century, leaving profound impacts across various dimensions of life, including the realm of art. However, one of the most critical questions facing Islamic Revolutionary art is its essence. This article seeks to present a cohesive articulation of the nature of Islamic Revolutionary art through a meta-synthesis approach, analyzing a range of relevant research studies. This synthesis focuses on the principles underlying this art form and its relationship with certain epistemic foundations of the Islamic Revolution. Accordingly, the article outlines the principles and foundations governing revolutionary art based on the logic of the four causes in four dimensions: "agent" (the artist), "purpose" (the aim of producing the artwork), "form," and "content." "Monotheism," "realism," "the innate and legislative dignity of human beings," "human transcendence," and so on are among the foundational principles governing the art of the Islamic Revolution. Additionally, "realistic representation," "transcending material reality," "guidance and rejection of misguidance," and "nature-oriented attraction" are some of the key principles shaping this art form.

Keywords: Art, Beauty, Islamic Revolution, Islamic Revolutionary Art, Meta-Synthesis.

* Researcher at the Rushd Center of Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).
mohsen.johari313@gmail.com  0000-0002-3407-0694

** Assistant Professor of Culture and Art Department of Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.
m.labkhandagh@isu.ac.ir  0000-0002-2712-8667

فرا ترکیب چیستی هنر انقلاب اسلامی^۱

محسن جوهری *

محسن لبخندق **

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، از جمله بزرگ‌ترین پدیده‌های سیاسی - اجتماعی سده اخیر جهان محسوب می‌شود که در کنار آثار خود در ابعاد مختلف زندگی، تأثیرات فراوانی را در ساحت هنر از خود به جای گذاشته است. با این وجود، یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که پیش روی هنر انقلاب اسلامی قرار دارد، سؤال از چیستی آن است. مقاله حاضر تلاش کرده تا با استفاده از روش فرا ترکیب، از طریق تحلیل و بررسی مجموعه‌ای از پژوهش‌های مرتبط با موضوع خود، تقریر منسجمی از چیستایی هنر انقلاب اسلامی ارائه دهد که در آن اصول حاکم بر این هنر و نسبت آن با برخی از مبانی معرفتی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته باشد. به این ترتیب در مقاله حاضر اصول و مبانی حاکم بر هنر انقلاب مبتنی بر منطق علل اربعه، در چهار بعد «فاعل» (هنرمند)، «غایت» (هدف تولید اثر هنری)، «فرم» و «محتوا» ارائه شده است. «توحید محوری»، «واقع گرایی»، «کرامت انسان»، «تعالی انسان» و ... از جمله مبانی حاکم بر هنر انقلاب اسلامی و «واقع‌نمایی»، «فراروی از واقعیت مادی»، «هدایت و نفی اضلال»، «جذابیت‌آفرینی فطری» و ... از جمله اصول حاکم بر این هنر به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: هنر، زیبایی، انقلاب اسلامی، هنر انقلاب اسلامی، فرا ترکیب.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «صورت‌بندی هنر در نظریه فرهنگی حکمت‌بنیان با تطبیق بر هنر انقلاب اسلامی».

* پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
mohsen.johari313@gmail.com

** استادیار گروه فرهنگ و هنر دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
m.labkhandagh@isu.ac.ir

مقدمه

بی‌شک انقلاب اسلامی ایران، یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سده اخیر جهان محسوب می‌شود. این انقلاب بزرگ، در کنار آثار خود در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، به صورت طبیعی، تأثیرات فراوانی را در عرصه هنر از خود به جای گذاشته است. در توضیح نسبت انقلاب اسلامی و هنر باید گفت که این انقلاب، مبتنی بر آموزه‌های اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و به تبع نگرستن به عالم از یک زاویه نو، به وقوع پیوست. انقلاب اسلامی از یک سو حاصل تلاش مجاهدانه انسانی بود که با رجوع به معارف قدسی دین، جان تازه‌ای یافته بود و از سوی دیگر عامل ساخته شدن انسان جدیدی به شمار می‌رود که در سایه سار نگاه توحیدی، به دنبال تسری حاکمیت الهی در زندگی خویش است. طبعاً انسان جدیدی که با انقلاب رخ نموده، تفسیر خود از عالم و ادراک خویش از زیبایی را در آثار هنری خاص خود اظهار می‌کند و به این نحو، هنر ویژه خویش را می‌آفرید. این چنین بود که از بدو پیروزی انقلاب و چه بسا در دوران نهضت، هنرمندان تازه نفسی پای به عرصه هنر نهاده و آثار بدیعی خلق کردند که حائز ویژگی‌های منحصر به فرد زیادی بود.

هنر نوپای انقلاب، برای بالندگی هرچه بیشتر نیازمند آن بود که علاوه بر رشد در ساحت آفرینش‌گری هنری، عقبه معرفتی خود را نیز تقویت کرده و نظریه‌های هنری متناسب با خود را به منصفه ظهور رساند. به همین دلیل تلاش‌هایی برای توسعه ادبیات نظری هنر انقلاب صورت گرفت که کوشش‌های معرفتی افرادی مانند شهید آوینی در زمره آن قرار دارد. این در حالی است که علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، هنوز پرسش‌های فراوانی ناظر به اندیشه هنری انقلاب باقی مانده که باید مبتنی بر مبانی معرفت دینی به آن‌ها پاسخ داده شود.

از جمله مهم‌ترین پرسش‌هایی که پیش‌روی هنر انقلاب اسلامی قرار دارد، سؤال از چیستی آن است که علی‌رغم ارائه جواب‌های پراکنده، به نظر می‌رسد که به دلیل فقدان تبیین‌های روشن و دقیق، هنوز نیاز به ارائه پاسخی جامع و منسجم به آن پابرجاست. به بیان دیگر، نخستین گام نظرورزی و سیاست‌گذاری در راستای رشد و توسعه هنر انقلاب، داشتن ادراکی منقح از چیستی آن است و مقاله حاضر نیز در همین مسیر گام

برمی دارد.

بر اساس نکات بیان شده، پرسش اصلی این مقاله عبارت است از:

۱- هنر انقلاب اسلامی چیست؟

علاوه بر این، پرسش های فرعی این مقاله عبارت اند از:

۱- فاعل و آفریننده اصلی هنر انقلاب اسلامی کیست؟

۲- هنر انقلاب اسلامی تحقق چه هدف و غایتی را دنبال می کند؟

۳- هنر انقلاب اسلامی به لحاظ صورت و فرم دارای چه ویژگی هایی است؟

۴- هنر انقلاب اسلامی محمل ارائه چه ماده و محتوایی به مخاطبان خود است؟

۱. پیشینه پژوهش

اگرچه موضوع چیستی هنر انقلاب اسلامی در آثار علمی مختلفی به صورت پراکنده مورد بحث قرار گرفته؛ ولی پژوهش های معدودی وجود دارد که این موضوع را به صورت منسجم، در کانون بحث خود قرار داده باشند. در ادامه به بررسی برخی از مهم ترین پژوهش های پرداخته می شود که در صدد بحث درباره چیستی هنر انقلاب اسلامی بوده اند.

عبداله (۱۴۰۳)، در کتاب خود با عنوان «هنر ما از نگاه آن ها: کندوکاوی در مطالعات غرب درباره هنرهای تجسمی پس از انقلاب ایران»، به جریان شناسی پژوهش های تولید شده در کشورهای انگلستان، آلمان، آمریکا و فرانسه پیرامون هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی پرداخته است.

وحیدزاده (۱۴۰۲)، در کتابی با عنوان «شمایل صبح: گفتگو با ده تن از هنرمندان تجسمی انقلاب اسلامی»، به تبادل نظر با ده نفر از هنرمندان تجسمی انقلاب اسلامی در حوزه نقاشی، نقاشی دیواری، عکاسی، نگارگری و مجسمه سازی، تصویرسازی، نگارگری، طراحی صحنه، گرافیک و خوشنویسی و کاریکاتور و کارتون پرداخته است. فهیمی فر (۱۴۰۱)، در کتاب خود با عنوان «جستاری در هنر انقلاب اسلامی»، مجموعه ای شامل ده مقاله را که به موضوع «مکتب هنری انقلاب اسلامی» پرداخته اند، تدوین کرده است.

رجبی دوانی (۱۳۹۹)، در کتاب «تجسم حماسه: درس‌گفتارهایی در شناخت هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی»، نگاهی به هنرهایی مانند عکاسی، گرافیک، کاریکاتور، نقاشی و پوسترسازی انداخته و درس‌گفتارهای استادان بزرگ در هر حوزه را گردآوری کرده است.

وحیدزاده (۱۳۹۶)، در کتابی با عنوان «سبک‌شناسی هنر انقلاب اسلامی: با نگاهی تطبیقی به شعر و نقاشی دوره انقلاب»، تلاش کرده تا با نگاهی به آرای صاحب‌نظران هنر و ادبیات انقلاب اسلامی و با روشی مشخص به تبیین ویژگی‌های سبکی این هنر نائل آید.

حقیقی کفاش و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله خود با عنوان «تعیین شاخص‌های معرف محصول فرهنگی هنری ایرانی - اسلامی در نظام جمهوری اسلامی»، کوشیده تا با الهام از معارف اسلامی و مبتنی بر نظر اندیشمندان اسلامی معاصر و صاحب‌نظران متعهد حوزه هنر، شاخص‌های کلانی برای تعیین معیارهای تشخیص ایرانی - اسلامی بودن آثار هنری - فرهنگی ارائه کند.

فرخی و افتخاری (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان‌های هنری در ایران پس از انقلاب اسلامی؛ (با تأکید بر سینما)»، درصدد بررسی گفتمان‌های هنری سینما بعد از وقوع انقلاب اسلامی و پاسخ به پرسش‌هایی است که در خصوص انواع و ویژگی‌ها و عوامل ناظر بر این گفتمان‌ها وجود دارد.

بالین وجود هیچ‌کدام از آثار فوق، کاوش در چیستی هنر انقلاب اسلامی را به صورت تفصیلی، با اتخاذ یک رویکرد روش‌مند و مبتنی بر تحقیقات علمی پیشینی در دستور کار خویش قرار نداده‌اند.

۲. چهارچوب مفهومی

باتوجه به اینکه مقاله حاضر درصدد ارائه پاسخ به پرسش از چیستی «هنر انقلاب اسلامی» است، به نظر می‌رسد که کاوش در معنای دو مفهوم «هنر» و «انقلاب اسلامی» که عناصر شکل‌دهنده مفهوم محوری این مقاله به‌شمار می‌روند، الزامی است. علاوه بر این، با توجه به اینکه در مقاله حاضر از چهارچوب علل اربعه ارسطویی برای

پرداختن به چیستی هنر انقلاب استفاده می‌شود، این چهارچوب علی نیز به اختصار توضیح داده می‌شود.

۲-۱. هنر

یکی از مسیرهای فهم معنای هنر، بررسی مفهوم این واژه در ادبیات فارسی است. در ادبیات فارسی، اندیشه رایج درباره واژه هنر چنین است که این کلمه مرکب از دو جزء «هو» و «نر» به معنای «نیک‌مردی» است. تعمق در متون اوستایی و پهلوی، سپهر معنایی وسیع‌تری را در معنای هنر نشان می‌دهد، به نحوی که همه فضایل، به خصوص فضایل معنوی را شامل می‌شود (بلخاری، ۱۳۹۰، ص. ۵۶).

برای فهمیدن معنای هنر، گریزی از آن نیست که علاوه بر معنای آن در ادبیات فارسی، معنای دو واژه کلیدی Art و Techné در زبان لاتین هم مورد بررسی قرار بگیرد. یکی از معانی Art همانا پیوند دادن به امر مقدس است. به بیان دیگر، به مدد هنر، امر وحدانی مقدس بر انسان متجلی می‌شود (بنی‌اردلان، ۱۳۸۸، صص. ۸-۹). واژه Techné در سطح نخست به معنای مهارت صنعت‌گری بوده؛ اما تخته به انکشاف و ابداع نیز اشاره داشته است. کلمه تخته در تفکر یونانیان مفهومی فراتر از «مهارت صنعتی» داشته است و آن را متعلق «پوئیسس»^۲ که به ابداع ترجمه می‌شود می‌دانسته‌اند (آوینی، ۱۳۹۰، الف، ص. ۱۸۰).

۲-۲. انقلاب اسلامی

مفهوم انقلاب در زبان فارسی، معادل اصطلاح Revolution در زبان انگلیسی است که در اصل به معنای دور و گردش در علم نجوم است. انقلاب در اصل واژه‌ای عربی و به معنای دگرگونی است. این اصطلاح برای نخستین بار در قرن هفدهم میلادی، به عنوان اصطلاحی سیاسی، به معنای واژگونی تمام‌عیار حکومت هر دولت و یا کشور و جایگزینی حاکم یا دولت جدید از طریق خشونت بار به کار رفت (جمشیدی و ایران‌نژاد، ۱۳۹۱، ص. ۹۴).

از منظر رهبران انقلاب اسلامی، انقلاب به معنای تغییرات بنیادینی در جامعه است

که ریشه آن به تغییر در باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه بازمی‌گردد. ازجمله مهم‌ترین ویژگی‌های پدیده انقلاب، به‌خصوص انقلاب اسلامی، برخورداری آن از یک ماهیت تدریجی و تکاملی است (سیاه‌پوش و ملکوتیان، ۱۳۹۶، ص. ۲۴). بدین ترتیب «از نگاه ایشان (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای)، انقلاب اسلامی برخاسته از یک سنت الهی بوده و یک پدیده مقطعی نیست بلکه یک حرکت مستمر و دائمی است که توسط مردم انجام‌شده و باعث تغییر بنیادین آنچه غلط و نابجاست به آنچه صحیح و بجاست در همه نهادهای اصولی زندگی بشر می‌شود» (مهری، ۱۳۹۶، ص. ۳۴).

شایان ذکر است که «از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، حرکت هر جامعه مسلمانی برای دستیابی به اهداف سه‌گانه اسلامی (ایجاد جامعه اسلامی، تربیت و رشد کمالات انسانی و درنهایت دستیابی به معرفت و قرب الهی) مسیری پیوسته و تدریجی است که دارای مبدأ و مقصد و منازل و مراحل است که لازم است طی شوند. مبدأ حرکت، انقلاب اسلامی و مقصد حرکت، تمدن نوین اسلامی است و در این میان، به‌ترتیب مراحل میانی نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی نیز وجود دارد» (موسوی، ۱۴۰۰).

۲-۳. علل اربعه

علیت، اساسی‌ترین اصل هر تفکری است و انسان بدون رابطه علی، قادر به اندیشیدن نیست. علیت از نظر ارسطو آن‌قدر مهم است که شناخت ما از اشیاء، مشروط به شناخت علل اولیه آن‌ها می‌شود (سالم؛ سعیدی مهر و اکبریان، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۵). از نگاه ارسطو در تحقق هر پدیده‌ای چهار علت تأثیر دارد. این علت‌های چهارگانه عبارت‌اند از:

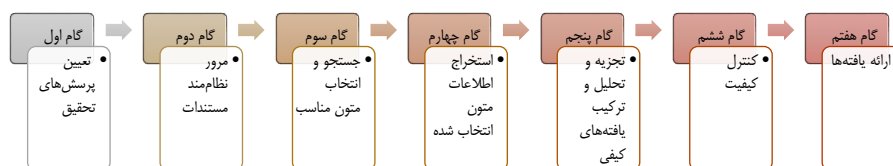
- ۱- علت فاعلی: چیزی است که وجود شیء به آن است، مانند نجار برای تخت.
- ۲- علت غایی: چیزی است که وجود شیء به‌خاطر آن است مانند نیاز به نشستن بر روی تخت.
- ۳- علت مادی: چیزی است که شیء از آن ایجاد می‌شود؛ مانند چوب برای تخت و همان چیزی است که شیء با آن بالقوه است.
- ۴- علت صوری: چیزی است که شیء به‌وسیله آن وجود پیدا می‌کند و با وجود آن

شیء بالقوه، بالفعل می‌شود مانند صورت تخت (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷، صص. ۷۵-۷۶).

۳. روش‌شناسی پژوهش

در تدوین مقاله حاضر از روش «فراترکیب»^۳ استفاده شده است. «برای سنتز مطالعات کیفی به صورت تفسیری از عناوین فراترکیب، فراتحلیل کیفی^۴، فراترکیب کیفی^۵ و فراترکیب تفسیری^۶ استفاده می‌شود؛ اما اغلب، واژه مورد استفاده برای این روش، فراترکیب کیفی است... فراترکیب، نوعی مطالعه کیفی است که یافته‌های سایر تحقیقات کیفی در زمینه یک موضوع را به عنوان داده در نظر می‌گیرد» (عابدی جعفری و امیری، ۱۳۹۸، ص. ۷۵).

پیاده‌سازی روش فراترکیب در پژوهش حاضر با استفاده از الگوی ساندلوسکی^۷ و باروسو^۸ صورت گرفته است. مراحل اجرای فراترکیب طبق الگوی مذکور در شکل ذیل ارائه شده است (علی احمدی و دیگران، ۱۴۰۰، صص. ۲۵-۲۳۶).



منبع: (علی احمدی و دیگران، ۱۴۰۰، صص. ۲۵-۲۳۶)

شکل (۱): مراحل اجرای فراترکیب طبق الگوی ساندلوسکی و باروسو

در مقاله حاضر باتوجه به هدف پژوهش و بر اساس مراحل نشان داده شده در شکل (۱)، فراترکیب انجام شد که گزارش آن در ادامه متن ارائه می‌شود.

گام اول: تعیین پرسش‌های پژوهش: در پژوهش حاضر این پرسش که اساساً هنر انقلاب اسلامی چیست؟ در کانون مباحث قرار دارد. برای رسیدن به پاسخ این پرسش،

3. Meta Synthesis
4. Qualitative Meta-Analysis
5. Qualitative Meta Synthesis
6. Interpretation of meta-synthesis
7. Sandelowski
8. Barroso

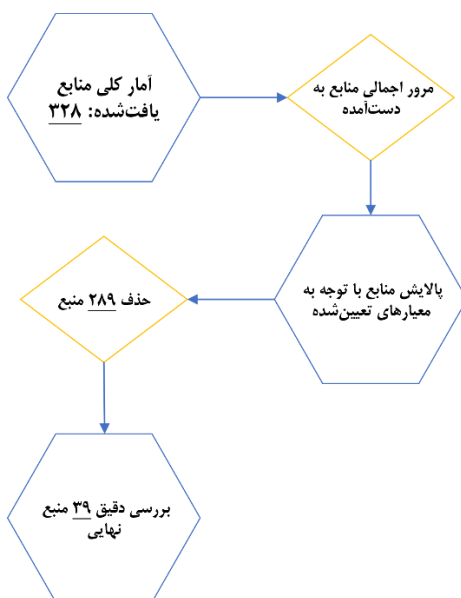
پرسش‌های فرعی‌تری مورد توجه قرار گرفته است. این پرسش‌های فرعی شامل پرسش از کیستی «فاعل» هنر انقلاب اسلامی و چیستی «غایات»، «ماده» و «صورت» این هنر می‌شود. نظر به آنکه شناخت عمیق هر امری در گروی شناسایی علل آن است و با عنایت به اینکه منطق علل اربعه، چهارچوب نظری مستحکمی برای شناخت علت‌های هر موضوع ارائه می‌دهد، طراحی پرسش‌های این پژوهش بر اساس الگوی مذکور، زمینه دستیابی به یک تحلیل عمیق از پدیده هنر انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورد. افزون‌براین، چهارچوب علل اربعه، یک الگوی تحلیلی متداول در سنت فلسفه اسلامی است و استفاده از این الگو در پژوهش حاضر، با عنایت به رابطه ارگانیکی که بین هنر انقلاب و فلسفه اسلامی وجود دارد، ظرفیت خوبی را برای عمق‌بخشی هرچه بیشتر به نتایج حاصله از این پژوهش در چهارچوب حکمت اسلامی فراهم می‌آورد.

شایان ذکر است که ارتباط برقرار شده بین دو علت مادی و صوری و دو مقوله محتوا و فرم هنری، به معنای مطابقت تام آن‌ها با یکدیگر نیست چراکه به لحاظ فلسفی، محتوای یک اثر هنری نیز دارای مرتبه‌ای از فعلیت است و نمی‌توان آن را ماده مطلق تلقی کرد ولی از این حیث که فرم هنری باعث فعلیت و تعیین محسوس محتوا می‌شود، در راستای انتظام‌بخشی به دستاوردهای تحلیلی پژوهش حاضر، می‌توان تناظری بین دو علت مادی و صوری و دو مقوله محتوا و فرم برقرار کرد.

گام دوم: مرور نظام‌مند مستندات: در این مقاله به منظور دستیابی به یک تحلیل کلان از چیستی هنر انقلاب اسلامی، ابتدا به صورت نظام‌مند و با استفاده از جستجوی کلیدواژه‌های مرتبط اعم از «هنر انقلاب اسلامی»، «هنر ایران معاصر»، «هنر دفاع مقدس»، «ادبیات انقلاب اسلامی»، «ادبیات ایران معاصر»، «ادبیات دفاع مقدس»، «رسانه انقلاب اسلامی»، «سینمای انقلاب اسلامی»، «شعر انقلاب اسلامی»، «موسیقی انقلاب اسلامی»، «معماری انقلاب اسلامی»، «گرافیک انقلاب اسلامی» و «نقاشی انقلاب اسلامی» در «درگاه اینترنتی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی»، «پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج)»، «پایگاه مجلات تخصصی نور»، «پورتال جامع علوم انسانی» و همچنین مشورت با خبرگان حوزه هنر انقلاب اسلامی، تعداد ۳۲۸ پژوهش اعم از کتاب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رساله دکتری و مقاله پژوهشی

شناسایی شدند.

گام سوم: جستجو و انتخاب متون مناسب: برای نهایی شدن انتخاب متون، پس از مرور سریع پژوهش‌های شناسایی شده، بر اساس شاخص‌هایی همچون «عنوان مرتبط با موضوع پژوهش»، «روش‌مندی»، «عمق محتوایی»، «توجه به رشته‌های مختلف هنری» و «سهولت دسترسی»، نهایتاً ۳۹ اثر علمی گزینش شده و مورد بررسی دقیق و تفصیلی قرار گرفتند. در شکل (۲)، فرایند انتخاب منابع فراترکیب و در جدول (۱) فهرست منابع منتخب ارائه شده است.



شکل (۲): فرایند انتخاب منابع فراترکیب

جدول (۱): منابع استفاده‌شده در فراترکیب چستی هنر انقلاب اسلامی

کتاب	مقاله	پایان‌نامه – رساله
جستاری در هنر انقلاب اسلامی (فهیمی فر، ۱۴۰۱)	مطالعه تولید موسیقی بعد از انقلاب اسلامی و ارائه الگوی مدیریت هنری آن (اسدیور، فرمانفرمایی و قیومی، ۱۴۰۰)	بررسی شاخصه‌های منوی نظریه سینمای تراز انقلاب اسلامی (محمدی عراقی، ۱۳۹۹)
هنر متعهد، بررسی جایگاه، وضعیت و بایسته‌های هنر انقلاب اسلامی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی (جوهری و آقاداتی، ۱۴۰۰)	مسائل سیاسی سینمای ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی (جوهری و وکیل، ۱۳۹۹)	نقش هنر در تولید و بازتولید ارزش‌های انقلاب اسلامی بر اساس دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (اسماعیلی، ۱۳۹۸)
گفت‌وگو: هویت فرهنگی در هنر معاصر ایران (پورمند، ۱۴۰۰)	تأثیر میانی کلامی امام خمینی قدس‌سره بر تکوین خرده‌گفتمان گرافیک انقلاب (محمدزاده، خزائی، و باقرزاده‌آتش‌چی، ۱۳۹۹)	تحلیل سیر تحول درون‌مایه رمان فارسی از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۳ با تأکید بر ده رمان برگزیده (چاو، ۱۳۹۶)
عبور از سینمای سانسور: تأملاتی در فیلم‌سازی غیرطبیعی ایران (جلیلی، ۱۴۰۰)	الگوی صورت‌بندی مسائل سینمای ایران از منظر رهبر معظم انقلاب: از وضع موجود تا وضع مطلوب (اسدی و نصراللهی، ۱۳۹۸)	تبیین مولفه‌های کاریکاتور (کارتون) معاصر در ایران ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۴ (زند، ۱۳۹۶)
سیکشناسی هنر انقلاب اسلامی: با نگاهی تطبیقی به شعر و نقاشی دوره انقلاب (وحیدزاده، ۱۳۹۶)	برجستگی‌های زبانی و زیبایی‌شناسی شعر انقلاب اسلامی (امیری خراسانی، بصیری و انجم شعاع، ۱۳۹۸)	بررسی سبک زندگی در ادبیات داستانی دفاع مقدس (ظریفی‌نیا، ۱۳۹۶)
هنر پیرا اسلامی: تحلیل انتقادی گفتمان‌های مسلط در مطالعات هنر اسلامی (رشدی، ۱۳۹۶)	بازنمایی مولفه‌های مذهبی گفتمان انقلاب اسلامی در رمان‌های شاخص جنگ (صادقی محسن آباد و اکبری، ۱۳۹۸)	شناسایی و معرفی شاخصه‌های هویت نقاشی انقلاب اسلامی ایران (از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷) (مظفری‌خواه، ۱۳۹۶)
قدر: نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی (بلخاری قهی، ۱۳۹۴)	بازتاب انقلاب اسلامی در معماری معاصر ایران (سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۷) (نمونه موردی: ۲۰ پروژه شاخص با کاربری عمومی که در سال‌های مذکور طراحی شده‌اند) (کاظمی شیشوان و ثبات ثانی، ۱۳۹۷)	سینمای تراز انقلاب اسلامی با رویکردی انتقادی به عملکرد سینما در حوزه سیاست و ارائه الگوی مطلوب (۱۳۹۵)
هنر، دین، تجدد (گفتارهایی در میانی هنر) (میرباقری، ۱۳۹۳)	تبیین شاخص‌های معرف محصول فرهنگی هنری ایرانی - اسلامی در نظام جمهوری اسلامی (حقیقی کفاش و همکاران، ۱۳۹۶)	سیکشناسی شعر ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی (مقیم، ۱۳۹۵)
انفطار صورت (اوینی، ۱۳۹۱)	تاریخ هنر بوستر در دهه نخست انقلاب اسلامی ایران (عالمی و مولوی وردنجانی، ۱۳۹۶)	رسانه طراز انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام‌ظله) با تأکید بر صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (واغلی، ۱۳۹۵)
آینه جادو (جلد ۱ - مقالات سینمایی) (اوینی، ۱۳۹۰)	بررسی جامعه‌شناختی شعر انقلاب اسلامی حذفاصل سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۹ هجری شمسی (ضیایی و صفایی سنگری، ۱۳۹۶)	فضا و مؤلفه‌های سازنده آن در شعر انقلاب اسلامی (با تأکید بر شعر طاهره صفارزاده، سیدحسن حسینی، قیصر امین‌پور، سیدعلی موسوی گرمادودی و مهرداد اوستا) (کمالی‌نهاد، ۱۳۹۳)
آینه جادو (جلد ۲ - نقدهای سینمایی) (اوینی، ۱۳۹۰)	ویژگی‌های آرمانی معماری انقلاب اسلامی ایران (حمزه نژاد، رسولی و یزدان‌فر، ۱۳۹۴)	بررسی تحقق‌پذیری شریعت شهر اسلامی در شهرسازی پس از انقلاب اسلامی ایران نمونه موردی: رشدیه تبریز (کریمی، ۱۳۹۲)
آینه جادو (جلد ۳ - گفت‌وگوها، سخنرانی‌ها و مقالات سینمایی) (اوینی، ۱۳۹۰)	گفتمان‌های هنری در ایران پس از انقلاب اسلامی: (با تأکید بر سینما) (فرخی و افتخاری، ۱۳۹۳)	گرایش‌های زیبایی‌شناسی در هنر معاصر ایران (در سه دهه پس از انقلاب اسلامی) (کریمی، ۱۳۹۰)
رستاخیز جان (۱۳۹۱)	بررسی محتوا و شکل، در نقاشی دهه اول انقلاب اسلامی (طیسی و انصاری، ۱۳۸۵)	نشانه‌شناسی فرهنگی اعلان (poster) از ظهور انقلاب اسلامی ایران تا ۱۳۸۰ (امامی فر، ۱۳۹۰)

گام چهارم: استخراج اطلاعات متون انتخاب‌شده: در این مرحله، متون منتخب به‌دقت مورد مطالعه، تحلیل و بررسی قرار گرفته و متناسب با پرسش‌های پژوهش، از آن‌ها فیش‌برداری انجام شد.

گام پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی: در این مرحله، مؤلفه‌های اصلی بیانگر چیستی هنر انقلاب اسلامی، استخراج شده و سپس ذیل چهار دسته فاعل، غایت، ماده و صورت مورد طبقه‌بندی قرار گرفتند. در فرایند تحلیل داده‌ها، در صورت وجود نوعی تعارض نظری بین گزاره‌های مطرح‌شده در منابع مختلف پژوهشی، پژوهشگر با معیار دستیابی به طرحی منسجم و سازوار، دست به گزینش زده و مواردی را برگزیده که هماهنگی و تناسب بیشتری با سایر گزاره‌ها داشته باشد.

گام ششم: کنترل کیفیت: در سراسر پژوهش، تلاش شده است تا برای کیفیت‌بخشی به یافته‌های پژوهش، توضیحات دقیق و شفافی از فرایند پژوهش ارائه شود و از این طریق، امکان ارزیابی کیفیت نتایج حاصله برای مخاطبان فراهم آید. همچنین به جهت کسب اطمینان از اعتبار یافته‌های پژوهش، نتیجه نهایی به مجموعه از خبرگان نظری حوزه هنر انقلاب عرضه شده و نظرهای ایشان در متن مقاله اعمال گردید.

گام هفتم: ارائه یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش، به فراخور دسته‌بندی صورت گرفته بر روی مؤلفه‌های بیانگر چیستی هنر انقلاب اسلامی در چهار دسته فاعل، غایت، ماده و صورت توضیح داده شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

در مقاله حاضر تلاش شده بر اساس فرا ترکیب صورت گرفته مبانی و اصول هنر انقلاب در چهارچوب کلی علل اربعه، یعنی چهار بُعد فاعلی (هنرمند)، غایی (هدف تولید اثر هنری)، مادی (محتوای اثر هنری) و صوری (فرم اثر هنری) بیان می‌شوند. باتوجه به پیوستگی دو مقوله فرم و محتوای اثر هنری، مبانی و اصول حاکم بر این دو بُعد، هم به صورت مشترک و هم به صورت مجزا تبیین می‌شوند. در جدول (۲)، مبانی و اصول حاکم بر هنر انقلاب اسلامی در چهار عرصه فاعل، غایت، ماده و صورت ذکر شده است. باتوجه به تکرر رشته‌های هنری و تفاوت اقتضائات هر کدام از آن‌ها با یکدیگر، تمامی اصول ذیل، به خصوص تمام اصول مربوط به فرم، الزاماً بر تمامی رشته‌های هنری جاری نیست. همچنین مقصود از اصول برشمرده شده در این بخش از پژوهش آن نیست که همه این اصول لزوماً باید در تک‌تک آثار هنری تولیدشده ذیل رویکرد

انقلاب اسلامی رعایت شده باشد بلکه مقصود آن است که اصول مذکور باید در کلیت فضای هنری برآمده از انقلاب مورد توجه قرار گرفته باشد. به تعبیر دیگر اگرچه قرار نیست که همه آثار هنری طراز انقلاب واجد رویکردی حماسی باشند یا از آرایه‌هایی همچون تمثیل و استعاره بهره ببرند، اما این اصول در کلیت فضای هنری برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی، بروز و ظهور محسوسی و گسترده‌ای دارند.

جدول (۲): مبانی و اصول حاکم بر هنر انقلاب اسلامی

فاعل		غایت		ماده و صورت											
مبانی		مبانی		مبانی		مبانی		مبانی		مبانی		مبانی		مبانی	
اصول		اصول		اصول		اصول		اصول		اصول		اصول		اصول	
زیباشناسی و زیبافرونی هنرمند		تربیت فرد		فطری بودن امر زیبا		جذبات‌افروشی فطری		تعالی انسان		تأسیس و نظام		سازگی		فصلت بلاغت	
منزلت هنرمند		تقویت خانواده		واقع‌گرایی		واقع‌نگرایی		قدرت هنرمند		صراحت		حماسه		تجلیل و استعاده	
مسئولیت هنرمند		جامعه‌پردازی و فرهنگ‌سازی		ماداب‌پوری		فراروی از واقعیت مادی		قدرت هنرمند (در تسخیر تکنولوژی)		تبلیغ اسلام ناب محمدی		تبیین حقایق تحریف‌شده		نقد آموزه‌های جریان باطل	
				هدایت تشریعی انسان		شریعت‌مداری									
				آزادگی از عبودیت غیر خدا		استکبارستیزی									
		تمدن‌سازی		کرامت تشریعی انسان		تخاطب با (همه) مردم احترام به پسند مخاطب									
						پاسدانت اصالت‌های بومی									
				غلبه نهایی حق بر باطل		امیدبخشی									

۴-۱. فاعل

بعد فاعلی هنر انقلاب اسلامی، به هنرمند به عنوان آفرینشگر اثر هنری توجه دارد. مهم‌ترین مبانی حاکم بر این جنبه هنر انقلاب، سه مبنای «توحید محوری»، «فطرت عشق به کمال و جمال» و «کرامت تکوینی انسان» است. «توحید محوری»، حاکی از آن است که جهان توسط آفرینشگری واحد، ساخته و پرداخته شده و صرفاً از اراده همان آفریننده یکتا تبعیت می‌کند. مبنای «فطرت عشق به کمال و جمال»، به گرایش درونی و نهادینه شده انسان، به خصوص انسان هنرمند، نسبت به مقوله زیبایی اشاره دارد. مبنای «کرامت تکوینی»، ضمن تبیین برخورداری انسان از والاترین جایگاه نسبت به سایر

مخلوقات، بر قابلیت‌های بی‌نهایت او برای طی کردن مسیر کمال دلالت دارد. مبتنی بر این سه مبنا، چهار اصل «زیبایی‌شناسی و زیبایی‌آفرینی هنرمند»، «منزلت هنرمند»، «قدرت هنرمند» و «مسئولیت هنرمند» به‌دست می‌آیند.

اصل «زیبایی‌شناسی و زیبایی‌آفرینی هنرمند»، به میل، گرایش و توانایی والای هنرمند انقلاب اسلامی در ادراک زیبایی و خلق اثر هنری به‌مثابه تمثیل امر زیبا اشاره دارد.

اصل «منزلت هنرمند»، حاکی از جایگاه والای هنرمندی است که در عرصه هنر انقلاب اسلامی به فعالیت می‌پردازد و به ضرورت تکریم وی به‌عنوان یکی از سرمایه‌های مهم اجتماعی اشاره دارد. از این منظر، در پرتوی مبنای توحیدمحوری، اگرچه وصف خالقیت، اصالتاً مربوط به خداوند است؛ اما هنرمند، در طول آفرینش‌گری الهی، از موهبت قریحه آفرینش هنری برخوردار شده است. به‌این‌ترتیب، هنرمندی که از چنین عطیه گران‌بهایی برخوردار است، از منظر انقلاب اسلامی واجد منزلت رفیعی بوده و باید در جامعه مورد تکریم قرار گیرد.

هنرمند، در پرتوی مبنای «کرامت‌تکوینی انسان»، واجد استعداد بی‌نهایتی است که از سوی خداوند به او اعطا شده و به وی این توانایی را می‌دهد که تمامی آنچه در آسمان و زمین است را برای رسیدن به اهدافش تسخیر کند. انسان که به‌تبع قراردادن در جایگاه خلیفه‌اللهی، از چنین قدرتی برخوردار است می‌تواند در سایه رشد معنوی و شناخت عمیق ماهیت تمدن‌های غیرالهی و نرم‌افزار و سخت‌افزار برآمده از آن، فناوری‌های هنری - رسانه‌ای موجود را به نحوی تسخیر کند که بتواند از آن‌ها در راستای غایات انقلاب بهره‌بردار. این اصل باعث متمایز شدن رویکرد هنر انقلاب اسلامی نسبت به مکاتبی است که قائل به جبر فناوری و عدم امکان هرگونه استفاده از محصولات فناورانه نوین در راستای غایات تمدنی متمایز با تمدن غرب است.

«منزلت و قدرت هنرمند»، یک روی سکه بعد فاعلی هنر انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود و روی دیگر این سکه، «مسئولیت هنرمند» است. به‌این‌ترتیب هنرمند، به‌ازای نعماتی که آن‌ها برخوردار شده و توانایی‌ها و منزلت‌های برآمده از آن‌ها، واجد وظایف و مسئولیت‌هایی است که می‌توان به‌صورت کلی از مجموعه آن‌ها به‌لزام استفاده از قابلیت خلاقیت هنری خود در راستای تحقق اهداف الهی یاد کرد.

۴-۲. غایت

مهم‌ترین مبنای حاکم بر بُعد غایی هنر انقلاب، «هدف گرفتن تعالی انسانی» است. از نگاه انقلاب اسلامی، با توجه به سطوح مختلف رشد انسانی در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی، مبنای تعالی انسان، هنر انقلاب اسلامی را به اصول چهارگانه «تربیت فرد»، «تقویت خانواده»، «جامعه‌پردازی و فرهنگ‌سازی» و نهایتاً «تمدن‌سازی» می‌رساند.

طبق آنچه گفته شد، هنر انقلاب اسلامی خود را نسبت به سلامت روحی - روانی و تربیت یکایک مخاطبان خویش مسئول می‌داند. هنر انقلاب، برخلاف بسیاری از فعالیت‌های هنری جاری که به واسطه غلبه فردگرایی بر سوژه نوین، اساساً ضد خانواده‌اند و یا روایتگر دگردیسی‌های ویرانگری در مفهوم خانه و خانواده هستند (کرمی و فرهانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۷)، هنری خانواده محور بوده و تحکیم این نهاد اجتماعی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار می‌دهد. همچنین هنر انقلاب در صدد اصلاح جامعه، ارتقای فرهنگ و بهسازی وضعیت اجتماعی است. هنر انقلاب به مثابه یک هنر اجتماعی، نواقص جامعه را در کنار فرصت‌ها و نقاط قوت می‌بیند، نسبت به کاستی‌ها معترض است، دردمندانه تلاش می‌کند مسیر اصلاح را با سرانگشت هدایت خود نشان دهد و البته مشوق پیشروی‌های صورت گرفته به سمت آرمان‌های انقلاب است. شکل‌گیری جریان شعر اعتراض در بین شاعران متعهد که در آن ضمن دفاع از ارزش‌های انقلاب سعی در اصلاح جامعه و مبارزه با بی‌عدالتی دارند از جمله نمودهای تحقق این غایت هنر انقلاب اسلامی است (کریمی‌لاریمی؛ فرصتی‌جویباری و منصوریان، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۹). در نهایتاً هنر انقلاب اسلامی به منزله هنری تمدن‌ساز، وحدت امت اسلامی، تحقق تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) را به عنوان اهداف بلندمدت خود پیگیری می‌کند.

۴-۳. ماده و صورت

همان‌طور که در قسمت‌های قبل گفته شد با توجه به اینکه برخی از مبانی و اصول هنر انقلاب اسلامی، بین فرم و محتوا مشترک هستند، ابتدا به توضیح این مبانی و اصول مشترک پرداخته می‌شود و سپس اصول خاص هر کدام از این دو عرصه توضیح داده می‌شود.

۴-۳-۱. مبانی و اصول مشترک

بر اساس فرا ترکیب صورت گرفته، مجموعه‌ای از مبانی معرفتی در دو عرصه فرم و محتوا، بر هنر انقلاب اسلامی حاکم هستند. این مبانی معرفتی عبارت‌اند از: «فطری بودن امر زیبا»، «واقع گرایی»، «معاد محوری»، «آزادگی از عبودیت غیر خدا»، «هدف‌داری عالم و اراده‌مندی انسان»، «هدایت تشریعی انسان»، «کرامت تشریعی انسان» و «غلبه نهایی حق بر باطل». متناظر با هر کدام از مبانی معرفتی، یک یا چند اصل کلیدی در هنر انقلاب اسلامی ایجاد می‌شود. در ادامه، ضمن توضیح مختصر هر کدام از مبانی مذکور، اصول برآمده از آن‌ها تبیین می‌شود.

نخستین مبانی حاکم بر فرم و محتوای هنر انقلاب اسلامی، «فطری بودن امر زیبا» است. طبق این مبنا، انسان به صورت فطری توانایی تشخیص امر زیبا از غیر آن را دارد و به همین جهت، معیار تشخیص زیبایی، تلائم با این قوه فطری انسانی است. «جذابیت‌آفرینی فطری»، اصل برآمده از این مبناست که طی آن، هنرمند درصدد جذب مخاطب در پرتوی تکیه بر گرایش‌های فطری انسانی است. امروزه در بسیاری از فعالیت‌های هنری، برای ایجاد جذابیت، از تابوشکنی و دست‌گذاشتن بر روی نقاط ضعف انسانی استفاده می‌شود. کاربست این سنخ از راهبردهای ایجاد جذابیت، هم در هنر غرب و هم در هنر امروزین ایران، قابل مشاهده است. «سینماگران ایرانی برای جلب مخاطب ... در موارد زیادی به شکستن تابوهایی در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روی می‌آورند. می‌توان هنجارشکنی را به سه دسته اصلی تقسیم کرد:

اول: موسیقی (صدای خواننده زن، خواننده لس‌آنجلسی، سبک پاپ، رقص و ...) دوم: جنسی (حجاب، کنایه‌های جنسی و طنز، آرایش، تجاوز، روابط آشکار یا پنهان) سوم: ارزشی - دینی - اعتقادی (روحانیت، ارزش‌های دینی و انقلابی، هشت سال جنگ، مسائل فقهی)» (بیچرانلو و یادگاری، ۱۳۹۴، ص. ۲۵۲). با وجود این هنر انقلاب اسلامی، کرامت مخاطب خود را بسیار بیشتر از آن می‌داند که بخواهد با دست‌گذاشتن روی نقاط ضعف انسانی و تحریک غرایز و شهوات، برای او جذابیت ایجاد کند. هنر انقلاب؛ اما نسبت به اصل مقوله جذابیت دغدغه‌مند است و تلاش می‌کند با تأکید بر نقاط قوت و ویژگی‌های فطری انسان، برای مخاطب خود

جذابیت بیافرینند. به این ترتیب هنر انقلاب اسلامی، با تمسک به گرایش‌های فطری انسان، همچون علاقه او به داستان و قهرمان و نیز مؤلفه‌هایی نظیر سادگی، صراحت، فصاحت و بلاغت و... مخاطب را به سمت خود جذب می‌کند. تمجید سیدمرتضی آوینی از فیلم سرگیجه هیچکاک نیز ریشه در همین نوع ایجاد جذابیت دارد. از نظر وی، داوری عدالت‌مدارانه هیچکاک بین شخصیت‌های آثارش باعث مضاعف‌شدن جذابیت این فیلم می‌شود (آوینی، ۱۳۹۰، ب، ص. ۳۱۹).

دومین مبنای هنر انقلاب / اسلامی، «واقع‌گرایی» است. طبق این مبنا، در عالم بیرون از ذهن و در پهنه وسیع گیتی، واقعیت ساری و جاری است و انسان قابلیت فهم و بیان این واقعیت‌ها را دارد. از این مبنا، اصل «واقع‌نمایی» در هنر انقلاب اسلامی استخراج می‌شود. طبق این اصل، هنر انقلاب در صدد بیان واقعیت‌های عالم است؛ این هنر، برخلاف بسیاری از رویکردهای هنری موجود، از گسیل‌دادن انسان به سمت امور موهوم و برساخته‌های ذهنی محض پرهیز می‌کند و الزاماً بر نگاه به واقعیت‌های خارجی از زاویه دید سوژه انسانی اصرار ندارد. با توجه به اینکه واقعیت در نگاه اسلامی سطوح مختلفی داشته و به واقعیت مادی محدود نمی‌شود، هنر انقلاب به خوبی می‌تواند با میدان‌دادن به قوه خیالی که تحت تدبیر قوه عقل قرار دارد، از ظرفیت هنرهای نوپدید هم‌چون پویانمایی برای نقب‌زن به لایه‌های عمیق‌تر واقعیت، از جمله واقعیت مثالی، بهره ببرد.

مبنای سوم حاکم بر هنر انقلاب اسلامی، مبنای «معادباوری» است. طبق این مبنا، عوالمی فراتر از عالم ماده وجود دارد که وجود انسان، در تمامی آن‌ها امتداد یافته است. بر همین اساس، زندگی انسان صرفاً به دنیا محدود نمی‌شود و حیات او، پس از مرگ، در سرای آخرت ادامه می‌یابد. مطابق این مبنا، اصل «فراروی از واقعیت مادی» بر هنر انقلاب اسلامی حاکم شده است. طبق این اصل، هنر انقلاب اسلامی، برخلاف جریان قالب هنر مدرن که صرفاً مبین زندگی دنیوی انسانی است، تلاش می‌کند تا با فراروی از سطح واقعیت‌های مادی و با رقم‌زدن نوعی آشنایی‌زدایی برای انسان در نسبت با زندگی مادی، او را به عالم معنا متوجه کند. بازنمایی موضوعات مرتبط با متافیزیک زندگی و ابعاد فرامادی انسان در قالب مضامین و سوژه‌هایی چون مرگ، روح، شیطان،

ثواب و عقاب، امدادهای غیبی، معجزه، رؤیای صادقه و... در برخی قالب‌های هنری مانند فیلم، رمان، پویانمایی، هنرهای تجسمی و... در آثار هنری پس از انقلاب بسیار پرطنین بوده که مصادیق آن‌ها را با اندک جستجویی در میان هریک از این شاخه‌های هنری می‌توان برشمرد.

باتوجه به اینکه اشاره به عوامل فراتر از حیات مادی، امری پیچیده است، هنر انقلاب معمولاً این مهم را از طریق استفاده از نشانه‌ها و سمبل‌ها محقق می‌کند. هنرمند انقلاب اسلامی، هرکدام از رخداد‌های بیرونی را به مثابه آیه و نشانه‌ای می‌بیند که به نوعی یادآور عالم غیب بوده و موجبات درنگ انسان را فراهم می‌آورد و در تولید هنری خود نیز از نشانه‌ها برای توجه دادن مخاطب به حقایق فرامادی بهره می‌برد. استفاده از نشانه‌ها با هدف اشاره به امور معنوی در نقاشی پس از انقلاب اسلامی رشد زیادی یافت. «نقاشان متعهد ما هرگز روی به آبستراکسیون در فرم نیاوردند... [در مقابل] سمبولیزاسیون طریقی است که با معنایی خاص و بدیع در غالب آثار نقاشی بعد از پیروزی انقلاب قابل تشخیص است... ما سمبل را نه چون نماد یا نمودی قراردادی، بل چون مظهر، آیه، مثل، مثال، یا تمثیلی برای حقیقت می‌نگریم» (آوینی، ۱۳۹۱، صص. ۶۳-۶۴).

چهارمین مبنا از سلسله مبانی هنر انقلاب اسلامی، مبنای «هدف‌داری عالم و اراده‌مندی انسان» است. طبق این مبنا، آفرینش جهان و انسان، بیهوده نبوده بلکه سعادت انسان و تقرب او به خداوند، هدف اصلی آفرینش است. موجودات عالم به صورت غیرارادی، مسیر خود را در جهت تحقق هدف آفرینش طی می‌کنند؛ ولی انسان، برخلاف سایر موجودات که رام و دست‌بسته، در گذرگاه طبیعی و غریزی خود به راه هستند، از نیروی انتخاب برخوردار است. به این ترتیب، انسان باید راه فطری را به انتخاب خودش بپیماید و همچنین می‌تواند از این روند طبیعی، تخلف ورزد. در این میان، دعوت انسان برای حرکت در راستای هدف خلقتش، هدایت، و فراخواندن او برای پشت کردن به مسیر سعادت، اضلال به حساب می‌آید. به موجب این اصل، هنر انقلاب اسلامی، برخلاف بسیاری از رویکردهای هنری غرب مدرن که ذیل کلان ایده «هنر برای هنر»، خود را نسبت به هدایت مخاطبان مسئول نمی‌دانند، چه در فرم و چه در محتوا، تلاش می‌کند که انسان را به سمت وسوی هدایت رهنمون کرده و از گمراهی

و ضلالت، اعم از گمراهی‌های اعتقادی و عملی، دور کند. براین اساس، از منظر هنر انقلاب، هنری که در ذهن و روح مخاطب خود انواع معانی گمراه‌کننده را به جای بگذارد و یا در ساحت عمل، باعث بی‌انگیزگی، پوچی و بی‌عملی او شود هنر مذمومی تلقی می‌شود.

«هدایت تشریعی انسان» چهارمین مبنای حاکم بر هنر انقلاب اسلامی بوده و سبب شکل گرفتن اصل «شریعت‌مداری» در این هنر می‌شود. مطابق این مبنا، حرکت انسان در مسیر نیل به اهداف آفرینش، در گروی پایبندی وی به دستوراتی است که در قالب شریعت به او ابلاغ شده است. به همین دلیل، هنر انقلاب اسلامی، برخلاف جریان غالب هنر مدرن که در پرتوی ایده‌هایی همچون سکولاریسم و پلورالیسم اخلاقی، خود را متعهد به رعایت مقیدات دینی نمی‌داند، در عرصه‌های مختلف خود را مقید به رعایت احکام برآمده از فقه اسلامی می‌داند. «از مصادیق هنر، پنج مصداق است که در فقه به‌طور متداول محل بحث بوده است. این موارد عبارت‌اند از: شعر، نقاشی، مجسمه‌سازی، غنا و موسیقی» (علیدوست، ۱۳۹۴، ص. ۴۸). هنر انقلاب اسلامی خود را ملزم به رعایت ضوابط شرعی در تمام این عرصه‌ها می‌داند.

ششمین مبنای هنر انقلاب اسلامی، «آزادگی از بندگی غیرخدا» است. طبق این مبنا، روی دیگر سکه توحید و عبودیت خداوند متعال، ضرورت نفی عبودیت طواغیت عالم است. طبق این مبنا، «استکبارستیزی» یکی از اصول مهم حاکم بر هنر انقلاب اسلامی است. براین اساس، هنر انقلاب، به‌مثابه هنری عدالت‌خواه و استکبارستیز، چه در ساحت فرم و چه در عرصه محتوا، در ستیز با معبودان دروغینی قرار دارد که تلاش می‌کنند انسان‌ها را به بند عبودیت خود بکشانند. ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، ستایش آزادی‌خواهان ایران و جهان در طول تاریخ، دفاع از مستضعفان و محرومان و تکیه بر نترسیدن از قدرتمندان ازجمله مؤلفه‌هایی است که متأثر از همین اصل، تا حدودی در شعر انقلاب اسلامی تجلی یافته است (محدثی خراسانی، ۱۳۸۷، ص. ۴۸).

مبنای هفتم هنر انقلاب اسلامی، مبنای «کرامت تشریعی انسان» است. این مبنا به ارتقای سطح کرامت انسان با حرکت او در مسیر توحید و همچنین ضرورت احترام به کرامت انسانی در ساحت روابط اجتماعی اشاره دارد. این مبنا باعث می‌شود که هنر

انقلاب اسلامی، به مثابه یک اصل، «تخاطب با همه مردم» را وظیفه خود بداند. به این ترتیب، هنر انقلاب اسلامی که انسان را به واسطه برخورداری از نوعیت انسانی، موجودی کریم می‌داند، اقشار مختلف جامعه، اعم از عوام یا نخبگان، افراد باسواد یا بی‌سواد، افراد فقیر یا غنی، زنان یا مردان و... را واجد کرامت دانسته و از بار مسئولیت ارتباط با هیچ‌کدام از آن‌ها شانه خالی نمی‌کند. این ویژگی هنر انقلاب در تعارض با برخی از رویکردهای روشنفکرانه هنر مدرن است که مخاطب خود را صرفاً برخی از خواص جامعه تعریف کرده و شأن خود را فراتر از گفتگو با عموم مردم جامعه می‌داند. همین ویژگی هنر انقلاب اسلامی باعث می‌شود تا از منظر شهید آوینی هنر گرافیک، یکی از متناسب‌ترین قالب‌های هنری در نسبت با انقلاب اسلامی به‌شمار آید. در نگاه آوینی، «گرافیک خود را از یک‌سو نسبت به عامه مردم و شعور فطری آن ملتزم و متعهد می‌داند و از سوی دیگر نسبت به ارائه پیام تبلیغی خاص» (آوینی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹).

روشن است که این نوع از هنر، چون مخاطب خود را دارای کرامت می‌داند، احترام به پسند او را نیز یکی از اصول اساسی خود می‌داند و تلاش می‌کند که ضمن شناخت سلیقه مخاطب، به این پسند، احترام بگذارد و مادامی که سلیقه مخاطب در چهارچوب ارزش‌ها و هنجارهای دینی قرار دارد، رعایت آن را در دستور کار فعالیت‌های خویش قرار می‌دهد. طبق این اصل، آن دسته از رویکردهای هنری که خود را نسبت به پسند مخاطب مسئول نمی‌دانند، ولو اینکه عَلم التزام به هنر انقلاب را در دست داشته باشند، درواقع نسبت وثیقی با این هنر ندارند.

آخرین مبنای هنر انقلاب اسلامی که در مقاله حاضر به آن پرداخته می‌شود، مبنای «پیروزی نهایی حق بر باطل» است. بر اساس این مبنا، جهان آفرینش که با هدف قرب الهی و رسیدن به سعادت آفریده شده، دائماً در حال حرکت کردن به نقطه مقصود است و درنهایت با پیروزی حق بر باطل به هدف خود دست می‌یابد. مبتنی بر همین مبنا، هنر انقلاب اسلامی، برخلاف برخی انواع هنری نوعاً چپ‌گرا که رسالت خود را در راستای وفاداری به گونه‌ای رئالیسم سیاه، صرفاً بیان کاستی‌ها و کژی‌ها دانسته و درنهایت منجر به ناامیدی و سرخوردگی مخاطب خود می‌شود، هنری امیدبخش است. سینمای جشنواره‌ای و ژانر نکبت دو کلیدواژه‌ای هستند که این سبک از هنر در عرصه سینما را نمایندگی

مفهومی می‌کنند و بحث و نظر جامعه تحلیل‌گران، منتقدان و فعالان مرتبط با حوزه فیلم و سینما پیرامون ویژگی‌ها، ابعاد، انگیزه‌های پیدا و پنهان، پشتوانه‌های مالی، نهادهای فراملی مؤثر، افراد و کنشگران مرتبط و سایر زوایای این نوع سینما در زمره مباحث رایج و پربسامد در ادبیات سینمایی کشور طی دو دهه اخیر بوده است؛ البته این نوع رئالیسم سیاه منحصر به هنر سینما نیست و در سایر هنرها اعم از ادبیات و رمان، هنرهای تجسمی، تئاتر و... به عنوان یکی از دیگری‌های مهم هنر انقلاب، حضور جدی دارد.

۴-۳-۲. اصول اختصاصی

بر اساس مجموعه مبانی معرفتی حاکم بر دو عرصه فرم و محتوا، برخی اصول خاص در هرکدام از این دو حوزه ایجاد می‌شوند که در ادامه ابتدا اصول اختصاصی حاکم بر عرصه فرم و سپس اصول اختصاصی عرصه محتوا بررسی می‌شوند.

نخستین اصل زیبایی‌شناختی هنر انقلاب اسلامی، اصل «تناسب و نظم» است. طبق این اصل، تناسب و هماهنگی بودن عناصر تشکیل‌دهنده یک اثر هنری، به تبع تناسب با نظم حاکم بر جهان واقع، باعث زیبایی می‌شود. «باتوجه به مترادف قدر و هندسه در اندیشه اسلامی، به نظر می‌رسد که آثار منبعث از علم هندسه در اسلام، محاکات و تقلید، همان تعینی است که حضرت حق در خلق موجودات و کائنات دارد؛ فلذا می‌توان به صراحت، قدر را همان هندسه و بنیان نظری هنر و معماری اسلامی دانست» (بلخاری، ۱۳۹۴، ص. ۳۵).

اصل دیگر هنر انقلاب اسلامی، اصل «سادگی» است. بر اساس این اصل، هنر انقلاب اسلامی، زیبایی را در تجمل، جلوه‌گری‌های مادی و تفاخرهای دنیوی جستجو نمی‌کند بلکه آن را در سادگی می‌یابد. پیروی همین اصل، شهید آوینی، در تمجید فیلم نیاز، ساخته علیرضا داوودنژاد، زیبایی این فیلم را در سادگی آن دانسته و در توضیح چنین می‌نویسد: «حقیقت «ساده‌ترین و فطری‌ترین» سخنی است که بر زبان‌ها و قلم‌ها جاری می‌شود... سادگی عین زیبایی است؛ اما عقل متعارف روشنفکری که همواره چیزهای غیرمعمول و متجدد را می‌ستاید از این حقیقت غافل است» (آوینی، ۱۳۹۰، ب، ص. ۲۰۰).

سومین اصل زیبایی‌شناختی هنر انقلاب، اصل «فصاحت و بلاغت» است. طبق این اصل، هنر انقلاب که واجد رسالت هدایتی است و به این دلیل که درصدد برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبان و رسانش پیام به ایشان است، در پرتوی فصاحت و بلاغت، به زمینه مساعدی برای انتقال پیام دست می‌یابد و همین موضوع باعث زیباتر شدن اثر هنری انقلاب اسلامی می‌شود.

روایت‌مندی مبتنی بر جوهر و غایت، اصل دیگری است که بر برخی از رشته‌های هنری (هنرهایی که قابلیت ارائه روایت به مخاطب را دارند) حاکم است. طبق این اصل، هنر انقلاب، برخلاف هنر پست‌مدرن که نافی وجود جوهر و امکان ارائه روایت منسجم برای توضیح وقایع بیرونی و تاریخی است، با باورمندی به وجود جوهر و ذات، روایت‌های منسجمی از وقایع، ناظر به تحقق غایات مشخص ارائه می‌دهد. در پرتوی این اصل، عنصر قصه‌گویی، در آن دسته از رشته‌های هنری که از قابلیت ارائه روایت برخوردارند، زمینه بسیار خوبی را برای ارتباط‌گیری با مخاطب و تأثیرگذاری بر او فراهم می‌آورد. همچنین برجسته بودن عنصر قهرمان در هنر انقلاب اسلامی، باعث معرفی نوعی انسان آرمانی به مخاطب شده و امکان الگوبرداری از وی را برای انسان محقق، مهیا می‌کند. تقابل قهرمان و ضدقهرمان، زمینه نمایش ستیز دائمی دو جریان حق و باطل را فراهم می‌آورد. شایان‌ذکر است که در بسیاری از آثار هنری انقلاب اسلامی، به شخصیت‌های امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، شهید و بسیجی، به‌منزله قهرمانان اصلی پرداخته شده است.

اصل دیگر حاکم بر هنر انقلاب اسلامی، آنگاه که این هنر در مقام بیان اصول و مبانی خویش قرار دارد، اصل صراحت است. «صراحت و قطعیت، در نقاشی و شعر انقلاب اسلامی، به‌منزله بیان قاطع و صریح هنر انقلاب در انتقال مفاهیم موردنظر خویش است... بیان قاطع و صریح هنر انقلاب را می‌توان برآمده از قطعیت و صراحت حرکت فرهنگی اجتماعی انقلاب اسلامی دانست» (وحیدزاده، ۱۳۹۶، ص. ۲۴۰).

برخورداری کلیت فضای هنری انقلاب اسلامی از عنصر «حماسه»، یکی از اصول دیگر حاکم بر این هنر است. در پرتوی عنصر حماسه، هنر انقلاب، بیانگر بزرگی روح انسان انقلاب و استقامت سرافرازانه او در مسیر تحقق ارزش‌های اسلامی است که باعث

برانگیختگی مخاطب و ایجاد درنگی در او برای پافشاری در راه اهداف دینی می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، هنر انقلاب اسلامی خود را موظف می‌داند تا مخاطب خویش را متذکر حقایق فرامادی عالم کند و در این راستا، از تمثیل و استعاره، برای نزدیک کردن امر معقول به محسوس بهره می‌برد.

همان‌طور که گفته شد، مبانی مشترک عرصه فرم و محتوا، باعث شکل‌گیری برخی اصول اختصاصی در عرصه محتوا نیز می‌شود. بر این اساس، هنر انقلاب اسلامی هنری است که در ساحت محتوا، خود را موظف به «تبلیغ و ترویج معارف اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)» می‌داند.

هنر انقلاب اسلامی همواره تلاش می‌کند تا حقایقی که توسط دیگری‌های ستیزه‌جوی انقلاب دستخوش تحریف شده‌اند را تبیین نماید. به تعبیر دیگر، امروزه هنر در موارد متعددی به ابزار پروپاگاندای جریان سلطه علیه دیگر ملل تبدیل شده است؛ به عنوان مثال همان‌طور که در جدول (۳) آمده، سینمای هالیوود همواره سعی در اسطوره‌سازی از غرب و تحریف حقایق شرق داشته و از این طریق در صدد بازتولید قدرت نمادین خود بوده است. این در حالی است که هنر انقلاب سعی در آشکار کردن چهره واقعی استکبار و ارائه روایت درستی از مستضعفان عالم دارد.

جدول (۳): بازنمایی از خاورمیانه در سینمای هالیوود

حقیقت‌های نادیده گرفته شده	کلشه بازنمایی شده
پیشینه و علل وجه منفی آن در افکار عمومی مردم خاورمیانه	تروریست و متنفر از آمریکا و غرب
قدمت تمدنی و دستاوردهای فرهنگی خاورمیانه	وحشی و دور از تمدن
تکثر فکری و اجتماعی در میان شهروندان خاورمیانه و خرده گفتمان‌های درون اسلام	متعصب و رادیکال
نقش غرب در دوران استعمار و مناسبات پسااستعماری در کندشدن روند توسعه خاورمیانه	عقب‌مانده و توسعه‌نیافته

منبع: (قوام و اسماعیلی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۲)

این هنر همچنین خود را موظف به برخورد فعال با دیگری‌ها گفتمانی انقلاب دانسته و با پرسش‌گری و برخورد نقادانه با اندیشه‌های رقیب، زمینه ارتقای سطح آگاهی مخاطبان خویش را فراهم می‌آورد.

نتیجه گیری

همان طور که در قسمت های قبل گفته شد، هدف این پژوهش، ارائه پاسخی منسجم به سؤال از چستی هنر انقلاب اسلامی است. باتوجه به آنکه پیش تر، در خلال آثار متفکران و در دل پژوهش های انجام شده، تقریرهای کمابیش پراکنده ای از موضوع این پژوهش ارائه شده، در این مقاله کوشیده شد تا با فرا ترکیب یافته های ۳۹ مورد از آثار علمی پیشینی، جمع بندی منسجمی از چستی هنر انقلاب ارائه شود.

برای آنکه جمع بندی ارائه شده در این مقاله دارای ویژگی شمولیت باشد، تلاش شد تا چستی هنر انقلاب با مبنا قرار دادن یک منطق صوری کلان برآمده از منطق ارسطویی، یعنی منطق علل اربعه، توضیح داده شود. براین اساس در بعد فاعلی، هنرمند، به عنوان تولید کننده اثر هنری مورد بحث واقع شد؛ در بعد غایی، هدف از تولید اثر هنری مورد توجه قرار گرفت؛ دو بعد مادی و صوری نیز به ترتیب متناظر با محتوا و فرم اثر هنری مدنظر قرار گرفت. برای نسبت یابی بین این چهار بعد باید توجه کرد از منظر ملاصدرا، ریشه دو علت صوری و مادی به علت فاعلی بازمی گردد و فاعلیت فاعل نیز در جهت تحقق علل غایی رخ می دهد. بدین ترتیب، محتوا و فرم اثر هنری، هر دو محصول فاعلیت هنرمند هستند و هنرمند نیز برای تحقق غایات خویش نسبت به تولید اثر هنری اقدام می کند.

برای آنکه در تقریر چستی هنر انقلاب، تعلق این هنر به پدیده انقلاب اسلامی مورد غفلت واقع نشود، سعی شد تا مبانی و اصول حاکم بر انقلاب اسلامی به صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته و به نوعی دلالت های این مبانی و اصول در امر هنری در کانون بحث قرار گیرد.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در بعد فاعلی (هنرمند)، سه مبنای «توحید محوری»، «فطرت عشق به کمال و جمال» و «کرامت تکوینی انسان»، مهم ترین مبانی مؤثر در تکوین هنر انقلاب اسلامی محسوب می شوند. با تکیه بر این سه مبنا، می توان نتیجه گرفت که هنرمند انقلابی، دارای قدرت تشخیص و تولید امر زیبا و واجد منزلتی رفیع در جامعه و قدرتی بسیار برای تسخیر فناوری های هنری - رسانه ای در راستای غایات انقلاب است که بار سنگین مسئولیت و رسالت انقلابی را به دوش می کشد و

باید نعمت هنر خویش را در مسیر تحقق غایات اسلامی به کار بندد. همان‌طور که اشاره شد، فاعلیت فاعل برای تحقق مجموعه‌ای از غایات محقق می‌شود. بدین ترتیب، هنرمند انقلابی نیز، برای تحقق مجموعه اهدافی دست به تولید هنری می‌زند. در واقع این اهداف، پایه‌ای‌ترین بعد هنر انقلاب اسلامی به‌شمار می‌روند چرا که نهایتاً هنرمند، فرم و محتوای اثر هنری خود را برای رسیدن به این غایات شکل می‌دهد. هنر انقلاب اسلامی، همانند خود پدیده انقلاب اسلامی، امری هدفمند و واجد رسالت‌های فردی و اجتماعی است. هنر انقلاب، سعادت انسان را در ابعاد گوناگون فردی، خانوادگی، اجتماعی - فرهنگی و تمدنی جستجو می‌کند و خود را در قبال تحقق این اهداف مسئول می‌داند.

برخلاف تصور عده‌ای، تعهد هنر و هنرمند انقلاب اسلامی در قبال اهداف، صرفاً به عرصه محتوای اثر هنری محدود نمی‌شود بلکه هنر انقلاب اسلامی در هر دو ساحت فرم و محتوا، هنری است متعهد. باتوجه به ارتباط و درهم‌تنیدگی دو بُعد مادی و صوری هنر انقلاب، مجموعه‌ای از مبانی و اصول بین این دو مشترک بوده و البته برخی از اصول نیز بیشتر به یکی از این دو حوزه مرتبط هستند.

در میان مبانی مشترک فرم و محتوا، مبنای واقع‌گرایی، اصلی‌ترین پایه معرفت‌شناختی هنر انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. طبق این مبنا، هنرمند انقلاب اسلامی خود را ملتزم به کشف واقع و نمایندادن آن می‌داند. این واقعیت البته صرفاً به امر مادی محدود نمی‌شود بلکه مبنای معادباوری حاکی از وجود عوالم فرامادی و حرکت دائمی عالم در این جهت است و لذا هنر انقلاب اسلامی نیز تلاش می‌کند با فراروی از واقعیت مادی، وجود عوالم فراتر را به مخاطب خود یادآوری کند.

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، نظر به هدفمندی خلقت عالم و باتوجه به اراده‌مند بودن انسان برای حرکت در این مسیر، دعوت انسان برای حرکت در مسیر هدف آفرینش، مصداق هدایت و دعوت به حرکت در هر مسیری جز این مسیر، مصداق اضلال بوده و صدا البته که هنر انقلاب اسلامی، هنری هدایتگر و نافی اضلال است. هدایت انسان برای تحقق غایات آفرینش به دو صورت تکوینی و تشریعی صورت پذیرفته که در جنبه تشریعی آن، انسان موظف به رعایت مجموعه‌ای از تکالیف عملی است؛ به همین

جهت هنر انقلاب اسلامی هنری شریعتمدار و پایبند به دستورات فقهی است. در نگاه اسلامی، آفرینش تمامی کائنات توسط خداوند باعث آزادگی مخلوقات از عبودیت غیر خدا می‌شود. باتوجه به اینکه پذیرش استکبار مستکبران، نوعی عبودیت ایشان است، هنر انقلاب اسلامی، چه در محتوا و چه در فرم، هنری استکبارستیز است. هنر انقلاب اسلامی، به واسطه باور به مبنای کرامت تشریعی انسان، خود را ملزم به رفتار کریمانه با مخاطب می‌داند. به همین جهت این هنر، مخاطب با همه انسان‌ها را وظیفه خود دانسته و شأن خود را فراتر از گفتگو با هیچ قشری از آدمیان در جهت دعوت ایشان نمی‌داند. این هنر به ذوق و پسند مخاطبان خود و همچنین اقتضائات هویت بومی ایشان احترام می‌گذارد. جذابیت برای هنر انقلاب، موضوع مهمی است؛ ولی این اهمیت باعث نمی‌شود که از هر ابزار ناصحیحی برای جذب بهره‌بردار و به همین جهت جذابیت در هنر انقلاب با تأکید بر نقاط قوت انسان‌ها و ویژگی‌های فطری ایشان صورت می‌پذیرد. طبق جهان‌بینی اسلامی، در نبرد تاریخی دو جریان حق و باطل، نهایتاً این جریان حق است که پیروز میدان می‌شود. این مبنا تأثیر خود را در هنر انقلاب نیز می‌گذارد و باعث می‌شود که روح امید همواره در این هنر جاری باشد. در توضیح اصول اختصاصی حاکم بر فرم باید گفت که در هنر انقلاب اسلامی عناصری همچون تناسب و نظم، تمثیل و استعاره، سادگی، حماسه، صراحت و فصاحت و بلاغت باعث ایجاد زیبایی می‌شوند. همچنین هنر انقلاب برخلاف هنر پست‌مدرن، در رشته‌هایی که امکان ارائه روایت دارند، از الگوی روایت‌مندی مبتنی بر جوهر و غایت تبعیت می‌کنند. در عرصه محتوا نیز هنر انقلاب اسلامی خود را متعهد به تبلیغ معارف اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، تبیین حقایق تحریف‌شده توسط دشمن و نقد آموزه‌های جریان باطل می‌داند.

کتابنامه

- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۹۰. الف). *آینه جادو - جلد اول: مقالات سینمایی*. تهران: واحه.
- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۹۰. ب). *آینه جادو - جلد دوم: نقدهای سینمایی*. تهران: واحه.
- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۹۱). *انفطار صورت: گرافیک و نقاشی*. تهران: واحه.
- اسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۸). *نقش هنر در تولید و بازتولید ارزش‌های انقلاب اسلامی بر اساس دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*. (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد). دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی، تهران.
- امیری خراسانی، احمد؛ بصیری، محمدصادق و انجم‌شعاع، زهرا. (۱۳۹۸). برجستگی‌های زبانی و زیبایی‌شناسی شعر انقلاب اسلامی. *فنون ادبی*، ۲۶(۱۱)، ۴۹-۶۲.
- بلخاری قهی، حسن بلخاری (۱۳۹۴). *قدرت: نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی*. تهران: سوره مهر.
- بلخاری، حسن (۱۳۹۰). *فلسفه هنر اسلامی (مجموعه مقالات)*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بنی‌اردلان، اسماعیل (۱۳۸۸). *بازشناسی مقام و مفهوم هنر. دوفصلنامه جاویدان خرد*، (۶) ۵-۲۸ و ۲۸ و ۱۳(۶)، ۵-۲۸.
- بیچرانلو، عبدالله و یادگاری، محمدحسن (۱۳۹۴). *تابوشکنی، مهم‌ترین راهبرد جذب مخاطب در سینمای ایران. مطالعات جامعه‌شناختی*، ۴۶(۲۲)، ۲۳۱-۲۵۶.
- جمشیدی، محمدحسین و ایران‌نژاد، ابراهیم (۱۳۹۱). *نظریه انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر. مطالعات انقلاب اسلامی*، ۲۹(۹)، ۷۷-۱۰۸.
- جوهری، محسن و آقادی، میثم (۱۴۰۰). *هنر متعهد: بررسی جایگاه، وضعیت و بایسته‌های هنر انقلاب اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب*. تهران: دانشگاه جامع امام‌حسین (علیه‌السلام)، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- حقیقی‌کفاش، مهدی؛ محمدیان، محمود؛ تقوا، محمدرضا و اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۹۶). *تعیین شاخص‌های معرفت محصول فرهنگی هنری ایرانی - اسلامی در نظام جمهوری اسلامی. مطالعات قدرت نرم*، ۱۶(۷)، ۱۳۲-۱۵۰.
- رجبی دوانی، محمدعلی (۱۳۹۹). *تجسم حماسه: درس‌گفتارهایی در شناخت هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی*. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- سالم، مریم؛ سعیدی مهر، محمد و اکبریان، رضا (۱۳۸۹). *تحلیل معنایی علیت در فلسفه*

- ارسطو و ابن سینا. حکمت سینوی (مشکوه النور)، ۱۴(۴۴)، ۱۱۴-۱۲۹.
- سیاهپوش، امیر و ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۶). چستی انقلاب از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی). *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۴۹(۱۴)، ۷-۲۸.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۷). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة* (ج ۶). قم: مکتبه المصطفوی.
- عابدی جعفری، عابد و امیری، مجتبی (۱۳۹۸). فرا ترکیب، روشی برای سنتز مطالعات کیفی. *روش‌شناسی علوم/نسانی*، ۹۹(۲۵)، ۷۴-۸۷.
- عبداله، زهرا (۱۴۰۳). *هنر ما از نگاه آن‌ها: کندوکاوی در مطالعات غرب درباره هنرهای تجسمی پس‌انقلاب ایران*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
- علی‌احمدی، علیرضا؛ غضنفری، مهدی؛ سلیمی، غلامرضا؛ محمدی، حسین و عالی، محمدباقر (۱۴۰۰). فرا ترکیب روش‌شناسی تحقیق در عملیات نرم در مطالعات حکمرانی. *مدیریت فرد*، ۶۷(۲۰)، ۲۳۱-۲۴۴.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۴). «فقه هنر» در دو نگاه جامع و تعینات موردی. *قیسات*، ۷۸(۲۰)، ۴۱-۶۰.
- فرخی، حسین و افتخاری، سید اسماعیل (۱۳۹۳). گفتمان‌های هنری در ایران پس از انقلاب اسلامی؛ (با تأکید بر سینما). *پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی*، ۱۰(۴)، ۱۴۷-۱۸۰.
- فقیهی، سید حمید (۱۳۹۵). *سینمای تراز انقلاب اسلامی با رویکردی انتقادی به عملکرد سینما در حوزه سیاست و ارائه الگوی مطلوب*. (پایان‌نامه دکتری تخصصی). دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی قم، قم.
- فهمی‌فر، علی اصغر (۱۴۰۱). *جستاری در هنر انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات سمینار مکتب هنری انقلاب اسلامی (برگزار شده در دانشگاه سوره، بهار ۱۴۰۰)*. تهران: دانشگاه غیردولتی - غیرانتفاعی سوره.
- قوام، سید عبدالعلی و اسماعیلی، بشیر (۱۳۹۳). سیاست خارجی، هالیوود و جریان بازنمایی خاورمیانه پس از یازده سپتامبر. *علوم سیاسی (دانشگاه آزاد کرج)*، ۲۹(۱۰)، ۱۱۵-۱۳۸.
- کرمی، محمدتقی و فراهانی، مژگان (۱۳۹۵). استراتژی‌های خانواده ایرانی در مواجهه با دیالکتیک فردیت و خانواده نشانه‌شناسی خانواده در سینمای ایران. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۴۴(۱۲)، ۱۴۳-۱۷۲.

- کریمی لاریمی، رضا؛ فرصتی جویباری، رضا و منصوریان، حسین (۱۴۰۰). بررسی شعر اعتراض در سروده‌های شاعران مشهور انقلاب اسلامی. *زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا)*، ۲۵(۱۲)، ۱۱۹-۱۴۳.
- محدثی خراسانی، مصطفی (۱۳۸۷). مقاله: جریان سازان شعر انقلاب اسلامی. *کتاب ماه ادبیات*، ۱۳۷(۱۲)، ۴۴-۵۸.
- موسوی، سید هادی (۱۴۰۰). مبانی کلامی فرایند تحقق تمدن نوین انقلاب اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. (پایان‌نامه رساله جهت اخذ درجه دکتری). دانشگاه قم، قم.
- مهری، محمد (۱۳۹۶). چیستی، چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی در آراء و اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شاهد، تهران.
- وحیدزاده، محمدرضا (۱۳۹۶). سبک‌شناسی هنر انقلاب اسلامی: با نگاهی تطبیقی به شعر و نقاشی دوره انقلاب. تهران: سوره مهر.
- وحیدزاده، محمدرضا (۱۴۰۲). شمایل صبح: گفت‌وگو با ده تن از هنرمندان تجسمی انقلاب اسلامی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.

References

- Abdollah, Z. (2024). *Our art through their eyes: An inquiry into Western studies on post-revolutionary Iranian visual arts*. Tehran: Islamic Development Organization, Art Bureau, Research Institute for Culture and Islamic Art. (In Persian)
- Abedi Jafari, A., & Amiri, M. (2019). Meta-synthesis: A method for synthesizing qualitative studies. *Methodology of Humanities*, 99(25), 74-87. (In Persian)
- Ali-Ahmadi, A., Ghazanfari, M., Salimi, G., Mohammadi, H., & Ali, M. B. (2021). Meta-synthesis of soft operations research methodology in governance studies. *Future Management*, 67(20), 231-244. (In Persian)
- Alidoust, A. (2015). "Fiqh of art" in two approaches: Comprehensive and case-specific. *Qabasat*, 78(20), 41-60. (In Persian)
- Amiri-Khorasani, A., Basiri, M. S., & Anjom-Shoaa, Z. (2019). Linguistic prominence and aesthetic features of the poetry of the Islamic Revolution. *Adabi Fonoun*, 26(11), 49-62. (In Persian)
- Avini, S. M. (2011a). *The mirror of enchantment, vol. 1: Cinematic essays*. Tehran: Vaheh. (In Persian)
- Avini, S. M. (2011b). *The mirror of enchantment, vol. 2: Film critiques*. Tehran: Vaheh. (In Persian)

- Avini, S. M. (2011c). *The mirror of enchantment, vol. 3: Interviews, speeches, and cinematic essays*. Tehran: Vaheh. (In Persian)
- Avini, S. M. (2011d). *The resurrection of the soul*. Tehran: Vaheh. (In Persian)
- Avini, S. M. (2012). *The rupture of form: Graphic design and painting*. Tehran: Vaheh. (In Persian)
- Balakhari, H. (2011). *The philosophy of Islamic art: A collection of articles*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Balakhari, H. (2015). *Ghadar: A theory of art and beauty in Islamic civilization*. Tehran: Soore Mehr. (In Persian)
- Bani-Ardalan, E. (2009). Recognition of the position and concept of art. *Javidan Kherad*, 13(6), 5–28. (In Persian)
- Beicharanlou, A., & Yadegari, M. H. (2015). Taboo-breaking as the main strategy to attract audiences in Iranian cinema. *Sociological Studies*, 46(22), 231–256. (In Persian)
- Esmaili, A. (2019). *The role of art in the production and reproduction of the values of the Islamic Revolution based on the views of Ayatollah Khamenei* (Master's thesis). Shahed University, Faculty of Humanities, Tehran. (In Persian)
- Faghehi, S. H. (2016). *Ideal cinema of the Islamic Revolution: A critical approach to the political performance of cinema and presentation of an optimal model* (Doctoral dissertation). University of Quranic Sciences and Teachings, Faculty of Quranic Sciences, Qom. (In Persian)
- Fahimi-Far, A. (2022). *Essays on Islamic Revolutionary Art: Proceedings of the Seminar on the School of Islamic Revolutionary Art (held at Soore University, Spring 2021)*. Tehran: Soore University. (In Persian)
- Farakhi, H., & Eftekhari, S. E. (2014). Artistic discourses in post-revolutionary Iran; with emphasis on cinema. *Cultural Guarding of the Islamic Revolution*, 10(4), 147–180. (In Persian)
- Ghavvam, S. A., & Esmaili, B. (2014). Foreign policy, Hollywood, and the representation of the Middle East after 9/11. *Political Science (Islamic Azad University, Karaj Branch)*, 29(10), 115–138. (In Persian)
- Haghighi-Kafash, M., Mohammadian, M., Taghva, M. R., & Esmaili, M. R. (2017). Determining indicators for identifying Iranian-Islamic cultural-artistic products in the Islamic Republic system. *Soft Power Studies*, 16(7), 132–150. (In Persian)
- Jamshidi, M. H., & Irannejad, E. (2012). The theory of Islamic Revolution in the political thought of Martyr Sadr. *Islamic Revolution Studies*, 29(9), 77–108. (In Persian)
- Johari, M., & Aghadadi, M. (2021). *Committed art: Examining the position, situation, and requirements of Islamic revolutionary art in the thought of the Supreme Leader*. Tehran: Imam Hussein Comprehensive University, Printing and Publishing Institute. (In Persian)
- Karami, M. T., & Farahani, M. (2016). Strategies of Iranian families facing the dialectic of individuality and family: A semiotic analysis of family in Iranian cinema. *Cultural and Communication Studies*, 44(12), 143–172. (In Persian)
- Karimi-Larimi, R., Forsati-Jouybari, R., & Mansourian, H. (2021). Protest poetry in the works of prominent poets of the Islamic Revolution. *Persian*

- Language and Literature (Islamic Azad University, Fasa Branch)*, 25(12), 119–143. (In Persian)
- Mehri, M. (2017). *The nature, rationale, and process of the Islamic Revolution in the thoughts of Ayatollah Khamenei* (Master's thesis). Shahed University, Tehran. (In Persian)
- Moghimi, N. (2016). *Stylistics of Iranian poetry in the post-Islamic Revolution years* (Doctoral dissertation). Semnan University, Faculty of Literature and Humanities, Semnan. (In Persian)
- Mohaddesi-Khorasani, M. (2008). The trendsetters of the Islamic Revolution poetry. *Ketab-e Mah-e Adabiat*, 137(12), 44–58. (In Persian)
- Mousavi, S. H. (2021). *Theological foundations of the process of achieving the new civilization of the Islamic Revolution from the perspective of Ayatollah Khamenei* (Doctoral dissertation). University of Qom, Qom. (In Persian)
- Rajabi Davani, M. A. (2020). *The embodiment of epic: Lectures on understanding the visual arts of the Islamic Revolution*. Tehran: Soore Mehr Publications. (In Persian)
- Şadr al-Dīn Shīrāzī, M. b. I. (2008). *Al-Hikmah al-Muta'āliyah fī al-Asfār al-'Aqliyyah al-Arba'ah* (Vol. 6). Qom: Maktabat al-Mustafawi. [In Arabic]
- Salem, M., Saeedi-Mehr, M., & Akbarian, R. (2010). Semantic analysis of causality in the philosophy of Aristotle and Avicenna. *Sinavi Wisdom (Meshkāt al-Nūr)*, 14(44), 114–129. (In Persian)
- Siahpoosh, A., & Malekoutian, M. (2017). The nature of revolution from the perspective of Ayatollah Khamenei. *Islamic Revolution Studies*, 49(14), 7–28. (In Persian)
- Vahidzadeh, M. R. (2017). *Stylistics of Islamic Revolutionary Art: A comparative view on poetry and painting of the revolutionary era*. Tehran: Soore Mehr. (In Persian)
- Vahidzadeh, M. R. (2023). *The image of dawn: Conversations with ten visual artists of the Islamic Revolution*. Tehran: Soore Mehr Publishing Company. (In Persian)